

Cognitive analysis of sound induction in Hajj verses (based on Morris Grammon's point of view)

(Received: 2023-01-21 Accepted: 2023-06-25)

Nuruddin Parvin¹, Javad Moien², Seyyed Mojtabi Mirdamadi³

Abstract

Language is a collection of regular and interconnected sounds that distinguish words and their meanings from other words; in fact, the sound is the most fundamental structure of language; because the appropriate use of vowels and consonants has a deep connection with the thought of the creator of the text, which can inspire specific meanings in the context of the situation; therefore, the purposeful repetition of consonants and vowels causes a great induction of phonemes in expressing the meanings of the text. "Maurice Grammon", a famous French linguist in the 20th century, puts forward the value and concept of inducing phonemes in language and believes that a writer can create the desired images and meanings with a specific and regular melody in a systematic network of words made up of similar phonemes. , to induce in the mind of the audience; for this purpose, the present research investigates the induction of sounds in Hajj verses with the method of content analysis based on Grammon's theory; the results indicate that the phonetic miracle of the Holy Quran ultimately inspires beauty, concepts, and meanings to the audience. So that the frequency of the light (simple) vowels "A" and "A"/a/ /ā/ and the consonants of the Latin words "S, Z"/s,z/ and the alveolar- fricative consonant "Y"/j/ play a very important role in associating the concepts of Hajj.

Keywords: Holy Quran, Hajj verses, stylistics, phonetic layer, Morris Grammon.

1) Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Shahid Mahalati Higher Education Complex, Qom, Iran (The Corresponding Author) Email: Nparvin68@gmail.com

2) A graduate of the fourth level (doctorate) of Khorasan Seminary and a member of the scientific group of Arabic language and literature of Al-Mustafa Al-Alamiya Community - Mashhad, Iran Email: jmoein56@yahoo.com

3) Assistant Professor, Department of Islamic Theory, University of Tehran, Iran Email: mirdamadi_77@ut.ac.ir





مقاله علمی - پژوهشی، صص ۴۸-۷۰

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.9.3

تحلیل شناختی القاگری آواها در آیات حج (بر اساس دیدگاه مورس گرامون)

(تاریخ دریافت ۱۰-۰۹-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۸-۱۲-۱۴۰۱)

نورالدین پروین^۱، جواد معین^۲، سید مجتبی میردامادی^۳

چکیده

زبان مجموعه‌ی از آواهای منظم و به هم پیوسته است که موجب تمایز واژه و معانی آن با واژه‌های دیگر می‌شود؛ در واقع آوا بنیادی‌ترین ساختار زبان است؛ چرا که کاربرد متناسب واکه‌ها و همخوان‌ها، پیوند ژرفی با اندیشه‌ی خالق متن دارد که می‌تواند در بافت موقعیتی الهام‌بخش معانی خاص باشند؛ بنابراین تکرار هدفمند صامت‌ها و مصوت‌ها موجب القاگری شگرف واج‌ها در بیان معانی متن می‌گردد. «مورس گرامون» زبان‌شناس معروف فرانسوی در قرن بیستم، ارزش و مفهوم القاگری واج‌های در زبان را مطرح می‌کند و معتقد است، ادیب می‌تواند در یک شبکه نظام‌مند واژگانی که از واج‌های مشابه سامان یافته‌اند، تصاویر و معانی مورد نظر را با ملودی خاص و منظم، به ذهن مخاطب القا نماید؛ بدین منظور پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا و بر اساس نظریه گرامون به بررسی القاگری آواها در آیات حج می‌پردازد؛ نتایج حاکی از آن است اعجاز آوایی قرآن کریم در نهایت زیبایی، مفاهیم و معانی را به مخاطب القا می‌نماید. به طوری که بسامد واکه‌های درخشان «آ» و «ا» /ā/، /ā/، /a/ و همخوان‌های سایشی لثوی «س، ز» /s, z/ و نیم‌همخوان «ی» /j/ نقش بسیار مهمی در تداعی مفاهیم حج را به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آیات حج، سبک‌شناسی، لایه‌ی آوایی، مورس گرامون.

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

(۱) استادیار زبان و ادبیات عرب دانشگاه علوم اسلامی محلاتی قم، ایران (نویسنده مسئول)، ایمیل: Nparvin68@gmail.com
(۲) دانش‌آموخته سطح چهار (دکتری) حوزه علمیه خراسان و عضو گروه علمی زبان و ادبیات عرب جامعه المصطفی العالمیه - مشهد، ایران ایمیل: jmoein56@yahoo.com
(۳) استادیار گروه مبانی نظری اسلامی، دانشگاه تهران، ایران. ایمیل: mirdamadi_77@ut.ac.ir



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

۱. مقدمه

هرگاه انسان سخن می‌گوید، پاره‌ی از آواهای پی در پی را بیان می‌کند، این آواها در مجموعه‌هایی که آن‌ها را «کلمه» می‌نامیم به هم پیوسته و هماهنگ می‌شوند، سپس کلمات در ساختار جملات و عبارات سازماندهی می‌شوند که معنای موردنظر و روشن از گوینده به گیرنده القا گردد. آواها مجموعه‌های به هم پیوسته و منظمی هستند که تجزیه نمی‌شوند مگر این‌که زبان‌شناس باهدف آموزشی و خاص به بررسی ویژگی‌ها و اجزای آواها به صورت جداگانه پردازد. (مالبرک، ۱۹۸۵: ۱۳۳) مجموعه‌های آوایی، متشکل از حروفی هستند که به یک‌باره بیرون می‌آیند، کما این‌که کودک در ابتدای یادگیری زبان، مجموعه‌ها صوتی را به یک‌باره تلفظ می‌کند، مثلاً می‌گوید "مامان" "بابا" به معنای پدر و مادرش، و این بدان معنا است که کودک یک هجای صاف و آسان را تلفظ می‌کند که هنگام تلفظ آن مشکل پیدا نمی‌کند، سپس به تدریج به دو هجا و سپس سه هجا و غیره پیش می‌رود.

هر انسانی هرگاه صحبت کند اگر صدای او ضبط شود و دوباره گوش داده شود، متوجه می‌شویم که کلمات به صورت مجزا و مقطعی تلفظ می‌کند و از آنجایی که نظام آوایی زبان عربی به عقیده غانم قدوری «بر اساس یک مبانی نظری انتزاعی است، اصوات را به‌طور کلی توصیف می‌کند که برخی از عبارات آن‌ها را در بافت کلامی آن‌ها نادیده می‌گیرد» (قدوری، ۲۰۰۴: ۱۸۵)؛ از آنجایی که سبک‌شناسی، از جمله پژوهش‌های زبان‌شناسی است که بیشترین اهتمام را به سطوح چهارگانه آوا، صرف، نحو و بلاغت متون، و آثار ادبی دارد. زبان یکی از مهم‌ترین ارکان و پایه‌های متن ادبی است و پژوهش سبکی که وابسته به زبان‌شناسی مدرن است، با نگاهی به متون ادبی در جهت تحلیلی زبانی و ساختارشناسی عناصر آوایی، صرفی، ساختاری و معنایی آن، به تبیین متون می‌پردازد. پژوهش حاضر با رویکردی زبان‌شناسانه، القاگری آواها در آیات مبارکه حج را بررسی می‌نماید و بر آن است که بر اساس نظریه موريس گرامون به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- کدام یک از واژه‌ها و همخوان‌های مطرح شده در نظریه موريس گرامون بیشترین بسامد را دارند و چه معانی را القا می‌کنند؟
- ویژگی‌های آوایی در آیات حج، چه پیوند معنایی را برقرار می‌کند و چه مفاهیمی را به مخاطب انتقال می‌دهد؟

۱.۱. پیشینه پژوهش

در زمینه القاگری آواها بر اساس دیدگاه گرامون، پژوهش‌های نسبتاً محدودی در حوزه متون دینی صورت گرفته است:

قاسم مختاری و مریم یادگاری (۱۳۹۶) در مقاله «هماهنگی آوایی در دو جزء ۱۶ و ۱۷

قرآن کریم بر اساس نظریه مورس گرامون، با تکیه بر نقد فرمالیست و نظریه گرامون با روش توسعه‌ی کاربردی، دو جزء مبارکه‌ی ۱۶ و ۱۷ قرآن کریم را بررسی کرده و بیان می‌دارد که هماهنگی آوایی روشی است که می‌تواند به محقق کمک رساند که معنا را از طریق فرم و ساختار ادبی بدون اطناب کلام مخاطب منتقل کند؛ اما پژوهش حاضر با روش تحلیل محتوا و بر اساس نظریه گرامون به بررسی القاگری آواها در آیات حج پرداخته است. در مقاله «شناسایی طبقات طبیعی همخوان‌ها با توجه به سجع پایانی آیات قرآن کریم» عالیه کرد و فاطمه شاه وردی (۱۳۹۴) همخوان‌های خیشومی و روان را در سجع‌های پایانی آیات، مورد مطالعه قرار داده‌اند.

فاطمه اطهرجو و مریم ولایتی کبابیان (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «معناداری گزاره‌های انشایی سوره حج، پیرامون اخلاق» که در مجله سبک‌شناختی قرآن کریم به چاپ رسیده است با روش کتابخانه‌ی به تبیین گزاره‌های انشایی این سوره پرداخته‌اند نتایج تحقیق حاکی از آن است که گزاره‌های انشایی مانند گزاره‌های خبری، معنادار بوده و حامل پیام‌های اخلاقی برای مخاطب است و معرفت به این امور با توجه به آیات کتاب الهی، زمینه‌ی رشد و تعالی را در انسان شکوفا خواهد کرد. رویا اسماعیلیان و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ی با عنوان «واکاوی صدا معنایی در قرآن کریم با تکیه بر نظریه اشتقاق ابن‌جنی مطالعه موردی ترکیب آواهای «ح، ر، م» به واکاوی تناسب معنایی واژگانی آواها (ح، ر، م) مشتقات قرآنی پرداخته است؛ از مهم‌ترین نتایج پژوهش آن است که اعجاز معنوی آوا در تفهیم و اقناع مخاطب، اعجاز کمینه‌گویی قرآن در تجسیم مفاهیم انتزاعی با کمترین صورت است، چرا که مشتقات با واج‌های یکسان، معانی مرتبط دارند.

مهدی نجفی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل آوا و القا در اشعار عاشورایی صفایی جندقی» بر اساس نظریه گرامون به تحلیل القاگری آواها در اشعار عاشورایی صفایی می‌پردازند. در مقاله دیگری با عنوان «القاگری آوا در خطبه جهاد بر اساس نظریه مورس گرامون» قاسم مختاری و فریبا هادی فر (۱۳۹۵) القاگری آواها را در خطبه جهاد نهج‌البلاغه بررسی نموده‌اند. همچنین مهوش قویمی (۱۳۸۳) در کتابی با عنوان «آوا و القا رهیافتی به شعر اخوان ثالث» نظریه مورس گرامون را ضمن بررسی اشعار اخوان ثالث تبیین می‌نماید. پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه (۱۳۹۷) در مقاله‌ی «سبک‌شناسی سوره واقعه براساس تحلیل زبانی» به تحلیل زبانی در سه سطح آوایی، واژگانی و دستوری سبک‌شناسی سوره واقعه پرداخته‌اند؛ نتایج تحقیق حاکی از آن است که تغییرات سبکی مانند التفات در شخص و عدد فعل، التفات در مخاطب کلام، تغییر در چینش و بسامد حروف، با تغییر در لحن و سبک آیات، سبب تناسب محتوا و سبک بیانی آیات شده است.

بر اساس بررسی‌های انجام شده تاکنون درباره توازن آوایی-معنایی و القاگری واج‌ها در «آیات حج» بر اساس دیدگاه گرامون، پژوهشی صورت نگرفته است؛ بنابراین پژوهش

حاضر بر آن است که القاگری آواها را بررسی کرده تا برگ دیگری از زیباشناسی سبک‌های ادبیات قرآنی را معرفی و کشف نماید.

۲. مبانی نظری

۲.۱. سبک‌شناسی

سبک‌شناسی یکی از رویکردهای نقدی نوین است که بر تفسیر و تحلیل متن ادبی تمرکز دارد و مرحله‌ی بنیادی و پیشرفته‌ای از بررسی بلاغی و نقدی است؛ در واقع سبک‌شناسی توانسته است از ضعف و کاستی‌های پژوهش‌های نقدی عربی فراتر رفته و با رویکردی مدرن به تحلیل و نقد متون بپردازد.

سبک‌شناسی به‌عنوان یک علم نوظهور توسعه‌یافته است که منشأ اصلی آن را زبان‌شناسی و مطالعات زبان‌شناسی می‌دانند که در آغاز قرن نوزدهم ظهور کردند. ابراهیم عبدالجواد تأکید می‌کند یکی از دلایل مهم و اساسی پیدایش سبک‌شناسی، رشد پژوهش‌های زبانی است و پیدایش آن به صورت خاص با این مقوله مرتبط است که مبنای تحلیل‌های زبانی و سبکی است؛ بنابراین اگر بپذیریم که سبک‌شناسی به دلیل پیشرفت در علوم زبان، بلاغت و نقد پدید آمده است، باید ریشه اصلی سبک‌شناسی را جنبه زبانی بدانیم که در ارتباط تنگاتنگ با پژوهش‌های زبانی به قرن بیستم رسیده است. (الشیحان، ۲۰۱۲: ۷۹) زبان توده‌ای از آواها و نشانه‌های درهم و برهم و بی‌نظم نیست؛ بلکه شبکه‌ای است نظام‌مند و درهم بافته از لایه‌ها و پیوندها، بنابراین هر پاره‌گفتار یا هر تکه از یک متن از خلال همکاری و پیوستگی چندین سطح متمایز زبانی، سازمان‌دهی می‌شود. سطوح و واحدهای تحلیل در زبان که می‌تواند یک بررسی سبک‌شناسانه را سازماندهی کند عبارت‌اند از: لایه‌ی آوایی، لایه‌ی صرفی، لایه نحوی، لایه ایدئولوژیک. که دانش زبان‌شناسی هر یک را از این لایه‌ها را با روش‌ها و ابزارهای ویژه‌ی بررسی می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۲۳۷) بر همین اساس جستار حاضر بر آن است بر اساس نظریه موريس گرامون ضمن بررسی لایه‌ی آوایی آیات مبارکه حج به تبیین القاگری آواها و چگونگی بسامد و بیان معانی در بافت موقعیتی بپردازد.

۲.۲. لایه آوایی

آواشناسی یکی از علوم وابسته به زبان‌شناسی است. در بین رشته‌های گوناگون زبان‌شناسی، آواشناسی بیش از همه جنبه تجربی دارد. زیرا زمینه کار آن مطالعه و توصیف صداهای زبان است، یعنی پدیده‌هایی که وجود خارجی محسوس دارند. (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱-۲) کلمات هر زبانی از اصوات خاصی تشکیل شده که هر کدام از واحدهای صوتی آن داری ویژگی‌های خاص‌اند که موجب تمایز آن از دیگر اصوات می‌شود مثلاً صوت «باء» از صوت «میم» متفاوت است و هر کدام دارای بار معنای خاصی هستند. (عرار، ۲۰۰۲: ۱۹)

موسیقی درونی یا به عبارتی انسجام، رمز ادب و زیبایی آن است. زیبایی اسلوب ادبی، چیزی نیست که بتوان دقیقاً حد و مرز آن را تعیین کرد؛ اما می‌توان برخی آثار و صفات آن را در بعضی تعبیرات جستجو کرد. این نوع موسیقی به وسیله سجع، توازن، انواع بدیع لفظی، توالی حروف، و تنوع اصوات و حرکات بلند و کوتاه به وجود می‌آید (أبوالشباب، ۱۹۸۸: ۲۶۶)؛ موسیقی درونی، حاصل هماهنگی‌ها و نسبت ترکیبات کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حروف دیگر است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۶: ۵۱)

۳.۲. هماهنگی آوایی

۳.۲.۱. مروری بر نظریه گرامون

موریس گرامون شاعر و زبان‌شناس فرانسوی در قرن ۱۹ میلادی تلاش کرد تا بین پدیده‌های هستی و جلوه‌های صوتی، پیوند و تناسب برقرار کند. گرامون نظریه‌های خود را کتاب‌های آواشناسی مطرح نموده که در این بین، رساله کوتاهی درباره قواعد شعر فرانسوی و شعر فرانسه، دستاویزهای بیان و هماهنگی آن ارائه داد. در زمینه مورد نظر پژوهش حاضر، در کتاب‌های مذکور، آنچه قبل از هر چیزی توجه گرامون را به خود معطوف می‌دارد، نام آواهاست. نام آواها در واقع کلماتی هستند که ما به برخی جانوران و اشیا نسبت می‌دهیم و از طریق واج‌های خود، صداهایی را که در طبیعت وجود دارند کم‌وبیش تقلید می‌کنند یا این اصوات را به نوعی یادآور می‌شوند (قویمی، ۱۳۸۳: ۹-۱۰)؛ کما اینکه عرب بر نام آواهای خاص با معانی معینی توافق و متفق‌القول شدند، برای مثال وقتی به صداهای آب فکر کردند، هر حالت صوتی را نسبت به تأثیر موسیقایی آن بر گوش نام بردند: صدای آب را به‌طور کلی «خریر» می‌گویند. و در موارد خاص نام‌های خاص‌تری به صدای آب می‌دهند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- امور: صدای آب هنگامی که به صورت امواج در دریا باشد.

- الأزیز أو الأرز أو النشش أو الغرغرة أو القطططة: صدای جوشاندن آب در قابلمه.

- البقبقة صدای حباب آب در هنگام جوشیدن؛ و... (عاتکه زیاد البورینی، ۲۰۲۱)

گرامون معتقد است که «مغز انسان همواره به تشبیه و تداعی می‌پردازد. اندیشه‌ها را دسته‌بندی و مرتب می‌کند و مفاهیم کاملاً ذهنی را با تأثراتی که حواس شنوایی، بینایی، چشایی، بویایی و لامسه در اختیار ما می‌گذارند در رده یا دسته کنار هم می‌چیند. نتیجه‌ی این امر آن است که مجردترین و معنوی‌ترین اندیشه‌ها پیوسته با انگاره‌ای از رنگ‌ها، رایحه‌ها یا حسیاتی مانند خشکی، سختی، نرمی و... پیوند می‌خورند. (گرامون، ۱۹۶۰: ۴۰۳)

از سوی دیگر، تکرار در هر سطحی؛ واژه، واج و یا جمله از نکات اساسی است که گرامون به آن توجه ویژه‌ای داشته است. او معتقد است که این‌گونه تکرارها در اصل و کم‌وبیش،

حاکی از تأکیدات یا شدت وحدت‌اند. به اعتقاد گرامون، اگر کلماتی که این‌گونه تکرارها را در بردارند، حال آن تکرار از هر نوع و ماهیتی که باشند: تکرار تمامی هجا، بخشی از یک هجا، تکرار با تشدید همخوان و...، بیانگر صدا یا حرکت باشند؛ نوعی مفهوم مضاعف به خود می‌گیرند؛ یعنی صدا یا حرکتی را تداعی می‌کنند که ادامه می‌یابد و مکرر می‌شود.

البته باید به این نکته توجه داشت که تمامی کلماتی که واج یا هجای تکراری دارند، اگر به شیء، عنصر یا پدیده‌ای اطلاق شوند که چنین اندیشه‌ای را به ذهن متبادر نمی‌کند، ضرورتاً بیانگر تأکید، شدت یا صدا و حرکتی ممتد نیستند؛ مثلاً کلماتی نظیر مرمَر، فلفل، بی‌بی، داداش و... از این جمله‌اند. بنابراین باید یادآور شد که تکرار واج‌ها یا هجاها بالقوه القاگر است و ارزش آن تنها زمانی آشکار می‌گردد که اندیشه‌ای به بیان آمده، با چنین تکراری تناسب و ارتباط داشته باشد. (قویمی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۲)

همان‌طور که زبان‌شناسان بر اهمیت تکرار اهتمام ویژه داشته‌اند؛ تکرار یکی از ابزارهای زبانی است که می‌تواند در القای اهداف متن، نقش اساسی داشته باشد. تکرار آواها همان چیزی است که در ابتدا، حاکی از تسلط این عنصر تکراری و اضطراب آن بر اندیشه و احساس ادیب است. (القاضی، ۱۹۷۴: ۴۲)

گاهی یک حرف خاص یا دو یا سه حرف به صورت متفاوت در یک جمله تکرار می‌شوند و تأثیر آن را به‌طور کلی، چند برابر می‌نماید، از طرفی موجب می‌شود که کلام از یکنواختی خارج و ایقاع خاصی به کلام ببخشد، یا اینکه از طریق ترکیب صداها بین آن‌ها توجه مخاطب را به یک کلمه یا کلمات خاص جلب نماید، یا اینکه برای تصدیق مقصود خاصی است که در این صورت تکرار آواها با معانی کلمات منطبق است (عیاشی، ۲۰۰۲: ۸۲)؛ بنابراین اساس نظریه گرامون نام‌آواها و تکرار آواها است که القاگری را در بافت‌های موقعیتی القا می‌نمایند؛ در اینجا به تحلیل این نظریه در آیات حج می‌پردازیم.

۲.۳.۲. تحلیل القاگری واژه‌ها در آیات حج

در قرآن کریم بنابر قول مشهور، ۵۰۰ آیه فقهی وجود دارد که احکام عبادات و معاملات را بیان می‌کند. واژه «حج» در لغت به معنای قصدی است که به‌صورت مکرر صورت می‌گیرد و در اصطلاح شرع، عبارت است از قصد خانه کعبه که به‌منظور انجام عبادات و با اعمال و مناسک خاصی همراه است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۳۹/۱) این عبادت در صورت تحقق شرایط و جویش، بر مسلمان یک‌بار در طول عمرش واجب می‌شود که از آن به «حجّه الاسلام» تعبیر می‌کنند، و البته گاهی نیز به‌واسطه نذر، استیجار و مانند آن واجب می‌گردد. (حلی، ۱۴۰۸: ۱۹۸/۱) حج از بزرگ‌ترین فریضه‌های الهی بوده که جنبه‌های فردی و اجتماعی در آن متجلی شده است. اهمیت حج و مناسک آن تا به آنجایی است که در کتاب‌های حدیثی و فقهی، بخش قابل توجهی را به خود اختصاص داده است. در این نوشتار، تحلیل القاگری

واکه‌ها در ۴۵ آیه برگزیده مربوط به احکام حج بر اساس دیدگاه مورس گرامون، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. ۳. ۱. واکه درخشان «آ» و «ا»؛ /ā/ و /a/

واحدهای صوتی یک‌زبان با توجه به چگونگی تولید و طبیعت آوایی‌شان به دو طبقه بنیادی صامت (consonant) و مصوت (vowel) تقسیم می‌شوند. صامت را «همخوان» و مصوت را «واکه» نیز می‌نامند. (باقری، ۱۳۷۴: ۱۸۶) واکه‌ها، واج‌هایی هستند که از لرزه تارآواها پدید می‌آیند و بدون برخورد به هیچ مانعی از مجرای دهان می‌گذرند. وضعیت دهان و لب‌ها و زبان در چگونگی مصوت‌ها تأثیر دارد.

گرامون، مصوت‌های /ā/ و /a/ را به‌عنوان واکه‌های درخشان معرفی می‌کند. این دسته از واکه‌ها برای بیان صداهای بلند، هیاو، غریو جمیعت، توصیف اندیشه‌هایی که در آن‌ها صدا اوج می‌گیرد، مانند: خشم، برآشفتگی، توصیف صحنه‌ها و مناظر پرشکوه و توصیف شخصیت‌های عالی‌رتبه و توانمند به کار می‌روند. (مارتینه، ۱۳۸۰: ۳۱)؛ با توجه به فلسفه و اهداف آیات مبارک حج لازم است که از واکه‌های درخشان در بیان معانی استفاده شود. بررسی انجام‌شده در آیات حج نشان می‌دهد که واکه‌های درخشان نسبت به واکه‌های روشن و تیره، تأثیر بیشتری در آیات حج داشته است؛ با توجه به توصیف‌هایی که برای واکه‌های درخشان گذشت و این آواها، از لحاظ القاگری معانی و توازن آوایی، فضای دل‌انگیز و پرمعنایی را برای مخاطب تداعی می‌کنند، که برخی نمونه‌ها اشاره می‌رود:

﴿وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (توبه/۳)؛ «و این، اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حج اکبر [روز عید قربان] که: خداوند و پیامبرش از مشرکان بیزارند! باین‌حال، اگر توبه کنید، برای شما بهتر است! و اگر سرپیچی نمایید، بدانید شما نمی‌توانید خدا را ناتوان سازید (و از قلمرو قدرت‌ش خارج شوید)! و کافران را به مجازات دردناک بشارت‌ده!»

سوره مبارکه توبه از جمله سوره‌هایی است که در پایان رسالت نبوی نازل شد، و به جهت بیان احکام پایان دوره نزول قرآن، برای جامعه اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار بود. آیات نخستین این سوره بیانگر ابراز انزجار از مشرکان است که می‌بایست با تعبیری ظنین‌انداز و عمیق ادا شود. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۱۵۶۵/۳)

آیه، فرمانی الهی است که به مسلمانان دستور می‌دهد در روز «حج اکبر» از مشرکان بیزاری بجویند. واژه «أَذَانٌ» به معنای اعلام، صدازدن و ندا کردن است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸/۵) که با تکرار همخوان‌های درخشان، توازن معنایی شگفتی را ایجاد می‌نماید. لازم است القاء مطالبی به این مهمی، با صدایی بلند اتفاق بیفتد که خود موجب نوعی هیاو و زمزمه افراد می‌شود.

کاربرد «إِلَى النَّاسِ» به جای «إِلَى الْمُشْرِكِينَ» حاکی از آن است که خطاب این دستور به همه مردم حاضر در مکه هست و همین امر موجب می‌شود که بانگی بلند باشد تا علاوه بر اینکه امر مهم به همه مردم برسد تأکیدی بر موضوع باشد. در اینجا واکه‌های درخشان که برای اوج‌گیری صدا و هیاهو به کاررفته، معنا و فضایی آکنده از بانگ و فریاد را القاء می‌نماید که تناسب زیبایی از توازن آوایی-معنایی می‌آفریند.

تکرار واکه‌های درخشان /a/ و /ā/ تصویر زیبایی، از غریو جمعیت در آن رو به نمایش می‌گذارد. هیاهو و اوج صدایی که حضور سیل عظیم مردم، خواه مسلمانان و خواه مشرکان در روز عید قربان به همراه مراسم قربانی، ایجاد کرده است، به‌طور شگرفی با نُت تکراری «أ» و «آ» برای مخاطب ترسیم می‌گردد.

از طرفی دیگر «بیان درد و ناامیدی» که معمولاً با اوج صدا و فریاد همراه است، به کمک واکه درخشان به زیبایی تداعی می‌شود. در پایان آیه، تراژدی کافرانی که از اطاعت فرمان الهی سرپیچی می‌کنند، به همراه موسیقی دردناکی که از بسامد واکه‌ها نواخته می‌شود، از «عذاب أليم» و درد و ناامیدی آن‌ها خبر می‌دهد.

توازن واکه‌های درخشان در کنار بسامد همخوان‌های سایشی n و m که نوعی حقارت، استهزاء، ناتوانی و درماندگی را القاء می‌کند، پرده از ناتوانی کافران در مقابل قدرت لایزال الهی برمی‌دارد و تعبیر «أَنْتُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ» این درماندگی را برای مخاطب، یادآور کرده و ناتوانی کافران در مقابل قدرت الهی را مجسم می‌کند.

همچنین کاربرد بشارت برای عذاب، نوعی تهکم و استهزاء را به تصویر می‌کشد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۴۳/۵)؛ اعجاز بلاغی که در بشارت به عذاب وجود دارد به یاری بسامد مصوت‌های /a/ و /ā/ به اوج می‌رساند.

در آیه شریفه دیگری قرآن می‌فرماید: ﴿ثُمَّ لَيَقْضُوا تَفْتَهُمْ وَ لَيُؤْفَوْنَ نُذُورَهُمْ وَ لَيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾ (حج/۲۹)؛ «سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ و به نذرهای خود وفا کنند؛ و بر گرد خانه گرامی کعبه، طواف کنند.»

آیه اشاره به برخی مناسک حج از جمله حلق، تقصیر و طواف دارد. از دیدگاه گرامون واکه‌های «أ» و «آ» در «توصیف مناظر پرشکوه و شگفت‌انگیز» به کار می‌روند. بسامد واکه‌های درخشان در آیه، تصویری شگفت از حضور باشکوه حاجیان را در لحظه طواف، به ذهن مخاطب القاء می‌کند که طنین نغمه‌ی پریاهوی «لَبِيكَ اللَّهُمَّ لَبِيكَ» بر شکوه و جلال آن صحنه می‌افزاید. تکرار صامت /l/ با همجواری مصوت‌های /a/ و /ā/، تصویری زیبا از موج طواف و گردگشتن حاجیان به همراه ملودی آرام و روان خلق نموده که موجب می‌شود تصویری از حاجیان سپیدپوش در ذهن القاء و ترسیم می‌نماید که در میان امواج دریا، به گرد معشوق می‌گردند.

«تفت» در لغت به معنای چرک و زوائد بدن در مو و ناخن است (راغب، ۱۴۱۲: ۱۶۵) که حاجی می باید در ادامه مناسک حج، این چرک که نماد آلودگی و زشتی است را «تقصیر» کند و از خود بزدايد. در آیه شریفه، واکه‌های تیره /o/ و /u/ به نحوی زشتی آلودگی و چرک‌های بدن حاجیان را القاء می‌کند و با آوای خود، گویی این زشتی را را در جسم حاجیانی که سپیدپوش در طواف و انجام مناسک حج هستند، محل ابهام می‌داند! و به همین جهت است که آیه با تعبیر «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفْتَهُمْ» به زایل کردن این آلودگی به‌عنوان یکی از اعمال حج دستور می‌دهد. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳: ۲۷۰/۱)

در نمونه دیگری قرآن درباره تجدید بنای کعبه می‌فرماید: ﴿وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (بقره/۱۲۷)؛ (و نیز به یاد آورید) هنگامی را که ابراهیم و اسماعیل، پایه‌های خانه (کعبه) را بالا می‌بردند، (و می‌گفتند): «پروردگارا! از ما بپذیر، که تو شنوا و دانایی.»

از دیدگاه گرامون «توصیف صحنه‌ها و مناظر پرشکوه و توصیف شخصیت‌های عالی‌رتبه و توانمند» (مارتینه، ۱۳۸۰: ۳۱) از جمله کارکردهای معنایی و القایی واکه‌های درخشان است. در این آیه، بسامد واکه‌های /a/ و /ā/، جلوه‌ای زیبا از شکوه و عظمت بنای خانه کعبه به ذهن مخاطب القا می‌کند. اوج صدا در این واکه‌ها و تعبیر «رفع قواعد»، ضمن ایجاد نغمه‌ی از شوکت کعبه، شخصیت والای حضرت ابراهیم و اسماعیل را برای مخاطب خود تداعی می‌کند. فعل «يَرْفَعُ» در این آیه مضارع است ولی حکایت از گذشته دارد. (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۸۷/۱) گویی قرآن می‌خواهد تصویری ذهنی و خیالی را با این روش، به‌صورت یک صحنه حقیقی برای شنونده مجسم کند که البته تکرار واکه‌های درخشان نیز بر این زیبایی می‌افزاید و خواننده گمان می‌کند در صحنه باشکوه بنای کعبه و در کنار شخصیت‌های والا مقامی همراه می‌کند.

۲.۲.۳.۲. واکه روشن «ای» و «اِ»؛ /i/ و /e/

گرامون براین باور است که واکه‌های روشن «ای» و «اِ» /i/ و /e/ لطیفتر، زیرتر و سبک‌تر از واکه‌های بماند، بنابراین صداهای نازک، تسلی بخش و نجوهای آهسته را القا می‌کنند. هم‌چنین این واکه‌ها، اندیشه‌های نشاط‌انگیز، دلکش و عاشقانه را در ذهن نقش می‌بندد. (قویمی، ۱۳۸۳: ۲۷) کاربرد این واکه‌ها در آیات حج، نسبت به واکه‌های درخشان از بسامد کمتری برخوردار هستند که در زیر به دو نمونه اشاره می‌رود:

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ (إسراء/۱)؛ «پاک و منزّه است خدایی که بنده‌اش را در یک شب، از مسجد الحرام به مسجد الاقصى _ که گرداگردش را پربرکت ساخته‌ایم _ برد، تا برخی از آیات خود را به او نشان دهیم؛ چرا که او شنوا و بیناست.»

تکرار واکه‌های روشن در این آیه شریفه، فضای لطیف و عاشقانه شب معراج، و نجواهای عارفانه پیامبر اکرم (ص) را با ذات حق تداعی می‌کند. عبارت «لِئْرِیَهُ مِنْ آیَاتِنَا» با نمایاندن نشانه‌هایی از جمله صفات توحیدی و مقامات خاص نبوی (قشیری، ۲۰۰۰: ۳۳۴/۲)، تصویر زیبایی از محفل عاشقانه و نغمه‌های دلبر با خلق می‌کند که گویی وجود پیامبر محو در آن نماها و نشانه‌ها شده است. بسامد و توازن این واکه‌ها، بار معنایی زیبایی از الفاغری آواها آفریده است که برای ذهن خواننده، محفل عاشقانه و دلکشی را به تصویر می‌کشاند. بسامد ۵ باره واج /s/ با ویژگی همس، در کنار واکه‌های روشن؛ ذهن مخاطب را در تداعی و القای فضای نجواگونه، یاری می‌کند. تکرار این واج را می‌توان در موارد ایجاد یک فضای وسوسه برانگیز و راز آلود، نجوایی، حالت‌های پنهانی و مانند آن بیشتر احساس نمود، که در این آیه سبب می‌شود تصویری از یک محفل پنهانی که خاص به حضور ذات حق و پیامبرش است در ذهن ترسیم گردد. چنان که حافظ نیز با تکرار /s/ به پنهانی بودن این گونه محافل اشاره دارد و می‌گوید:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست

لطافت و ظرافتی که با تکرار واکه‌های روشن تداعی می‌شود می‌تواند عینی و ملموس یا معنوی و ذهنی باشد و به همین جهت، خیزش و جهشی حقیقی یا تخیلی (قویمی، ۱۳۸۳: ۲۸-۳۰) را الفاغری می‌کند. کما اینکه واکه‌های روشن می‌توانند بیانگر حرکاتی سریع، چست و چابک باشند. (همو، ۱۳۸۳: ۲۹) ویژگی‌های یاد شده، در بافت معنایی آیه به زیبایی به تصویر آمده است. آیه شریفه به سفر شبانه و معراج وجود پیامبر (ص) از مسجد الحرام به مسجد الاقصی اشاره دارد. این سفر بیش از صد فرسخی، در مدت کوتاه یک شب انجام شد که با توجه به شرایط آن زمان، امری غیرممکن و ناشدنی بود. طنین بسامد واکه‌های روشن، حکایت از حرکت سریع جسم حضرت در شب معراج دارد. واکه‌های /e:/ و /i:/ با ویژگی آوایی و بسامد خود، به گونه‌ی ملموس و جسمی و هم‌چنین ذهنی و معنوی به جریان معراج نبوی اشاره دارد که تصدیق‌کننده دیدگاه مفسرانی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹۳/۲۰) است که معتقدند بیشتر مسلمانان بر معراج جسمانی اتفاق نظر دارند و البته گروه اندکی نیز، معراج را روحانی دانسته‌اند.

از سوی دیگر، تکرار واکه‌های درخشان که توصیف صحنه‌های پرشکوه و شخصیت‌های بلند مرتبه را تداعی می‌کند، در کنار واکه‌های روشن، جلوه‌ای از زیبایی معنایی و آوایی را به روح واژه‌ها دمیده‌اند. واکه‌های درخشان، معنای شکوه و عظمت معراج و شخصیت والای پیامبری را القاء می‌کند که در معراج، فرشته وحی این مقام وصف نشدنی را به پیامبر (ص) نوید داد، (حویزی، ۱۴۱۵: ۹۸/۳) و به دلیل همین مقام است که عنصر بارز و محور اصلی در سوره‌ی اسراء را شخصیت والای نبوی دانسته‌اند. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲۲۰/۴)

﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ (حج/۲۷)؛
 «و مردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده و سواره بر مرکب‌های لاغر از هر راه دوری
 بسوی تو بیایند.»

واکه‌های روشن از دیدگاه گرامون، بیانگر ویژگی‌هایی از جمله حرکات سریع و چابک هستند. پس از آن که، خانه کعبه به دست حضرت ابراهیم برای عبادت‌کنندگان آماده شد، خداوند خطاب به آن حضرت فرمود: در میان مردم برای حج، اعلام کن تا پیاده و سوار بر مرکب‌های لاغر، به قصد حج به سوی کعبه حرکت کنند. واژه «ضامر» به معنای حیوان لاغر است، اما نه لاغری که به سبب بیماری باشد، بلکه لاغری که به‌نوعی تناسب اندام و چابکی را نشان دهد. راغب می‌گوید: ضامر به اسبی کم گوشت گفته می‌شود، البته این کم گوشتی به خاطر کار زیاد است نه لاغری. (راغب، ۱۴۱۲: ۵۱۲) حیواناتی هم چون اسب و شتر، چون مسافت شهرهای مختلف را تا مکه می‌پیموندند، تحمل مشکلات و سختی راه، آن‌ها را ورزیده و چابک می‌کند؛ و یا این که در آن زمان حیواناتی را انتخاب می‌کردند، ورزیده و چابک و پر تحمل، حیواناتی که در میدان تمرین، لاغر شده و عضلاتی صفت و محکم داشته باشند. بسامد واکه‌های روشن /i/ و /e/ ریتیم زیبایی از حرکات چابک این حیوانات لاغر را خلق می‌کند که با صلابت و استواری به سوی مکه حرکت می‌کنند. تولید این آوا در حقیقت القاگر ورزیدگی و تناسب جسمانی حیواناتی است که مردم در راه مکه از آن‌ها به‌عنوان یک مرکب مناسب استفاده می‌کردند.

هم‌چنین بسامد آوایی مصوت‌های درخشان /a/ و /ā/ در کنار مصوت‌های روشن، به زیبایی هر چه بیشتر این آیه افزوده است. واکه‌های درخشان برای بیان صداهای بلند، هیاهو و غریو جمعیت است. فعل امر «أَذِّنْ» از ماده «أذن» ریشه یافته به معنای اعلام و اعلان کردن. (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۹۹/۶) وقتی حضرت ابراهیم دستور یافت که حج را به مردم اعلام کند، در «مقام» ایستاد و با صدای بلند مردم را به این فریضه فراخواند به طوری که خداوند، بانگ و اعلام آن حضرت را به گوش همگان رساند، حتی کسانی که در صُلب پدران و رحم مادران خود بودند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳۵۴/۴) تکرار واکه‌های درخشان با ویژگی تداعی صداهای بلند، همخوانی زیبای معنایی و آوایی با مضمون آیه و بانگ و جوب حج دارد.

۲.۳.۳. همخوان‌های انسدادی

این همخوان‌ها بر دو دسته هستند: بی‌آواها (ت، ک، گ) و آوایی‌ها (ب، د، d، ق، q) که به هنگام تلفظ، مستلزم خروج ناگهانی هوا با فشار به خارج هستند. این واج‌ها در توصیف حرکتی به کار می‌روند که با تکان‌های شدید یا خفیف همراهند. (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۵)

به‌عنوان نمونه در آیه شریفه ﴿فَإِذَا قُضِيَتْ مِنْ أَنْسَابِكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ﴾ (بقره/۲۰۰)؛ «و هنگامی

که مناسکِ (حج) خود را انجام دادید، خدا را یاد کنید، همانند یادآوری از پدرانتان (آن گونه که رسم آن زمان بود) بلکه از آن هم بیشتر! (در این مراسم، مردم دو گروهند: بعضی از مردم می‌گویند: "خداوندا! به ما در دنیا، نیکی عطا کن!" ولی در آخرت، بهره‌ای ندارند.)

تکرار همخوان انسدادی «ک» (k) جلوه‌گری زیبایی از آوا و معنا دارد. از این واج در هیجان‌تند و تکان‌دهنده مثل به نفس افتادن استفاده می‌شود. کاربرد این واج به هیجان‌تند و حرکات حجاج اشاره دارد که پس از اتمام مناسک، می‌بایست به «ذکر الله» مشغول شوند. درباره معنای این ذکر چند دیدگاه بیان شده است: دعای پس از رمی جمرات؛ تکبیراتی که در ایام منی گفته می‌شود و یا همه ادعیه مستحبه‌ای که در این مکان‌های مقدس قرائت می‌شود. (قطب راوندی، ۱۴۰۵: ۲۹۸/۱) در هر صورت، وقتی در آیه، واژه «ذکر» متصف به «أشدّ» می‌شود، نوعی شدت از هیجان‌تند و نفس نفس را تداعی می‌کند که همخوان «k» آن را به زیبایی بیان می‌دارد، و ویژگی شدت و انفتاح در این واج، به افزونی و شدت این هیجان رنگ بیشتری می‌بخشد.

هم‌چنین این همخوان برحکایت از نوعی طنز نیش‌دار نیز کاربرد دارد. (قویمی، ۱۳۸۳: ۴۷) عرب جاهلیت در حج‌گذاری خود دچار انحرافات و خرافاتی بودند، از جمله این که پس از مناسک، پدران و نیاکان خود را یاد می‌کردند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۲۹/۲) که در این آیه، کاربرد همخوان انسدادی «ک»، به‌طور نیش‌داری، مناسک غیر ابراهیمی عرب جاهلیت را به سخره می‌گیرد و «ذکرالله» را به‌عنوان ذکر واقعی کسی می‌داند که صاحب همه نعمت‌های اخروی و دنیوی است، و لذا یاد خدای متعال را جانشین یاد آباء و اجداد می‌کند.

۲. ۳. ۲. ۴. همخوان‌های غیر انسدادی

به این دسته از همخوان‌ها، همخوان‌های پیوسته نیز گفته می‌شود. همخوان پیوسته، واجی است که تلفظ آن می‌تواند مدتی ادامه یابد. از این گونه واج‌ها در تولید نام‌آواها استفاده می‌شود. (قویمی؛ ۱۳۸۳: ۴۸) گونه‌های مختلف این همخوان‌ها، در آیات حج کاربرد دارد.

۲. ۳. ۲. ۴. ۱. همخوان‌های خیشومی «م» و «ن» /m/ /n/

از دیدگاه گرامون، صامت‌های /m/ و /n/ از دسته همخوان‌های خیشومی هستند. اگر هوای بازدم پس از برخورد با تارهای صوتی از مجرای دهان خارج شود، صوت ایجاد شده دهانی است؛ ولی اگر به هنگام ادای صوت جلوی مجرای حفره خیشوم (بینی) باز بماند به طوری که تمام یا قسمت عمده‌ای از هوای مرتعش از راه بینی به خارج فرستاده شود، صوت پدید آمده خیشومی یا غنه (nasal) می‌خوانند. (باقری، ۱۳۷۴: ۱۹۰) هنگام تلفظ همخوان‌های خیشومی، هوا از بینی خارج می‌شود و اصواتی را تولید می‌کنند که از آن‌ها، نوعی ناخشنودی و عدم رضایت تداعی می‌شود. این دسته از همخوان‌ها با القای آوایی

خود، معانی خاصی را در آیات حج تداعی می‌کنند.

به‌عنوان نمونه در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَاهِمِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (توبه ۲۸)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجد الحرام شوند! و اگر از فقر می‌ترسید، خداوند هرگاه بخواهد، شما را به کرمش بی‌نیاز می‌سازد؛ (و از راه دیگر جبران می‌کند؛) خداوند دانا و حکیم است.»

تکرار صامت همخوان «م» و «ن»، تناسب بسیار زیبایی در واژگان، آوا و معانی آیه آفریده است. القاگری آواها را در این آیه می‌توان در دو شبکه معنایی جستجو نمود: در بخش اول آیه که از جمله ندایی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ» شروع و تا اول جمله شرطیه «إِنْ خِفْتُمْ» ادامه می‌یابد، بسامد این دو صامت، نوعی ناخشنودی و عدم رضایت را در ذهن تداعی می‌کند. آیه شریفه در سال نهم هجرت، طی یک دستور فقهی خطاب به مؤمنان مکه می‌فرماید از سال آینده هیچ یک از مشرکان حق ورود به مسجد الحرام و طواف خانه کعبه را ندارد. (فاضل مقداد، ۱۳۷۲: ۶/۱) در واقع به نحوی، ناخشنودی و عدم رضایت خداوند از حضور مشرکان در مسجد الحرام در قالب یک حکم فقهی و نهی از ورود آن‌ها به مسجد الاحرام اعلام می‌گردد. «انما» نشانگر حصر است و مصدر «نَجَس» بر مبالغه در پلیدی دلالت دارد. (سمین، ۱۴۱۴: ۵۸/۳) تکرار همخوان‌های خیشومی در کنار این حصر و مبالغه، شدت نارضایتی ورود مشرکان به مسجد الحرام را القاء می‌کند.

همخوان‌های خیشومی بیانگر ناتوانی و درماندگی نیز هستند. در بخش دوم آیه که از جمله شرطیه «إِنْ خِفْتُمْ» آغاز و تا پایان آیه ادامه دارد، کاربرد دو صامت «م» و «ن»، آوایی سراسر نگران‌کننده می‌آفریند که نوعی ناتوانی و درماندگی را به تصویر ذهن نزدیک می‌کند. برخی از مؤمنان که مخاطب آیه بودند، با نزول این آیه، نگران شدند که مبدا عدم حضور مشرکان در تجارت و دادوستد بازار آن‌ها تأثیرگذار باشد و موجب ناتوانی و سستی در زندگی مالی آن‌ها شود. لذا در ادامه، آیه نوید می‌دهد که ترس و نگرانی به خود راه ندهید که خداوند از فضلش شما را بی‌نیاز خواهد کرد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۲۹/۹) واژه «عَيْلَةً» به کاررفته در آیه، که به معنای فقر و تنگدستی است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴۳۲/۵) توازن زیبای معنایی-آوایی را با همخوان‌های خیشومی برقرار کرده که نوعی ناتوانی و درماندگی را در موسیقی معنایی خود تداعی می‌کنند. هم‌چنین دو واج /م/ و /ن/ با ویژگی غَنه، در کنار وعده «فَضْل» خداوند برای بی‌نیازی مؤمنان از سود تجارت با این دسته از مشرکان، فضای طرب‌انگیز و دلنشینی را در پایان امیدوارکننده آیه، خلق نموده است.

۲. ۴. ۲. ۳. ۲. همخوان‌های روان «ل» و «ر» /l/ /r/

دسته ای دیگر از همخوان‌های پیوسته، همخوان‌های روان «ل» و «ر» هستند. صامت /ل/

1/ یک همخوان روان است و صامت /r/ به‌عنوان یک همخوان تکریری معرفی شده که در گروه همخوان‌های روان قرار دارد. این همخوان‌ها، اصواتی هستند روان، جاری، سیال و شفاف که صدای مایعی را تداعی می‌کنند که به آرامی می‌ریزد. (قویمی، ۱۳۸۳: ۵۱) آرامش معنوی مناسبک حج و روانی موسیقایی آیات آن، موجب شده است تا این همخوان‌ها به گونه زیبایی در قرآن کریم جلوه‌نمایی کند.

به‌عنوان نمونه در آیه ﴿إِنَّ الصَّافَا وَالْمُرْوَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/۱۵۸)؛ «سعی صفا و مروه از شعائر دین خداست، پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه نیز به جای آرد، و هر کس به راه خیر و نیکی شتابد (خدا پاداش وی خواهد داد که) خدا قدردان و (به همه امور خلق) عالم است.»

بسامد این واج‌ها، الفاکر جریانی روان و مداوم است. شأن نزول آیه اشاره دارد به حج خرافی مشرکان که در بالای «صفا» و «مروه»، بتان خود را مسح و تبرک می‌کردند. مسلمانان از این عمل کراهت داشتند، و گمان می‌کردند عمل «سعی»، تعظیم بتان است و از همین رو، از انجام آن خودداری می‌نمودند تا این که آیه نازل شد و آن را از «شعائر الله» تلقی نمود. (سید قطب، ۱۴۲۵: ۱۶۸/۱) صامت‌های روان «ل» و «ر» نوعی ملایمت، روان شدن و تکرار را القاء می‌کند و با تکرار خود در این آیه، تصویر روان شدن جمعیت حج‌ج را از صفا به مروه و از مروه به صفا برای مخاطب تداعی‌گر می‌شود. بسامد واج /ل/ با ویژگی رخوت و غنه، و واج /ر/ با ویژگی تکریری؛ نغمه دل‌انگیزی از تکرار هفت باره «سعی» حج‌ج دارد که تصویر روان شدن و حرکت حاجیان را در این مسیر القاء می‌کند. این همخوانی و الفاکری، ترسیمی از سیل روان حاجیان و تکرار عمل «سعی» را به زیبایی ارائه می‌کند.

خاصیت قوام، قاطعیت و پایداری که در حرف (ل) وجود دارد (عباس، ۱۹۹۸: ۷۸) در کنار عبارت «فَلَا جُنَاحَ» این نوید را برای حاجیان مسلمان نغمه‌گری می‌کند که با آرامش خاطر، حج خود را با پایداری و قاطعیت بجای آورند و هیچ گناهی و مانعی برای آن‌ها وجود ندارد. هم‌چنین ویژگی ترقیق و رخاوت این صامت و جریان آن در فضای آرام، با هم‌نشینی لفظ جلاله «الله» و تعبیر لطیف «شاکرٌ عَلِيمٌ» در پایان آیه، گویی موسیقی پایانی روانی را می‌نوازد که خبر از شادمانی پذیرش سعی صفا و مروه مسلمانان دارد و آن گمانی را که از شرک بودن این منسک داشتند را برطرف می‌سازد.

۲. ۳. ۴. ۳. همخوان‌های سایشی

همخوان‌های سایشی شامل، سایشی‌های لب و دندانی (ف، و) /f, v/؛ سایشی‌های لثوی (س، ز) /s, z/؛ سایشی‌های تفسی (ش، ج)؛ /ʃ, dʒ/ و نیم‌همخوان (ی) /j/ است. وجه اشتراک این واج‌ها آن است که هنگام تلفظ آن‌ها، گذرگاه هوا بسیار تنگ می‌شود تا آنجا که در موقع

عبور هوا از این معبر تنگ، صدای سایش و صفیر به گوش می‌رسد. (دیهم، ۱۳۵۸: ۵۰)

سایشی های لثوی و نیم‌همخوان «ی»، در آیات حج از کارکرد بیشتری برخوردار هستند. به‌عنوان نمونه در آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ﴾ (حج/۲۵)؛ «کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه خدا بازداشتند، و از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذابی دردناکند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما از عذابی دردناک به او می‌چشانیم!»

بسامد ترکیبی همخوان‌های سایشی (s) در قالب /ص+س/ و (z) در قالب /ض+ظ/ ملودی خاصی را به آیات بخشیده است. این دو واج لثوی، معانی احساساتی هم چون ترس، تنفر، اضطراب و تحقیر را القاء می‌کند. (قویمی، ۱۳۸۳: ۵۶) آیه خطاب به کافران و مشرکانی است که در سال حدیبیه، پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان را از ورود و حضور در مسجدالحرام بازمی‌داشتند و از انجام مناسک حج و بجا آوردن شعائرالله توسط مسلمانان جلوگیری می‌کردند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲۸/۷) تأکید به کاررفته در آیه در قالب کاربرد حرف «إِنَّ» و هم‌چنین نوع التفات و هنجارگریزی دو فعل ماضی (کفروا) و مضارع (یصدون) از استمرار و تلاش برای دورنگه داشتن مسلمانان از مسجدالحرام حکایت دارد. در پایان آیه شریفه وقتی سخن از چشاندن عذاب دردناک به میان می‌آید، ادبیات قهرآمیز قرآنی با ترکیب صامت‌های سایشی (s) و (z)، سمفونی دلهره‌آور و ترسناکی را خلق می‌کند و روایتگر صحنه‌ای می‌شود که در آن کافران، حقیر شده و فضای ترس و اضطرابی بر آن‌ها سایه افکنده است.

حذف خبر «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا» نیز بر این فضای رعب‌آور می‌افزاید که فرجام این دسته از مشرکان و کافران چه خواهد شد؟! هر چند که به سیاق آیه می‌توان عباراتی مقدری مثل «نذیقهم العذاب الیم» را خبر «إِنَّ» دانست ولی سردرگمی سرنوشت، موجب افزایش حیرت و نگرانی می‌شود. توازن آوایی این دو همخوان با ویژگی تهدید و تنفر، در کنار وعده عذاب دردناک، نشان از تنفر و خشم الهی بر کافران دارد.

گرامون معتقد است نیم‌همخوان «ی» /z/ شامل نوعی ارزش مداوم است و اندیشه تداوم و پایان‌ناپذیری احساس یا اندیشه‌ای را تداعی می‌کند. (قویمی، ۱۳۸۳: ۶۳) در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةَ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرِ مُحْلِي الصِّدِّ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ (مائده/۱)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها (و قراردادهای) وفا کنید! چهارپایان (و جنین آن‌ها) برای شما حلال شده است؛ مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود (و استثنا خواهد شد) و به هنگام احرام، صید را حلال نشمردید! خداوند هر چه بخواهد (و مصلحت باشد) حکم می‌کند.»

کاربرد این نیم‌همخوان، زیبایی خاصی به فضای معنایی آیه بخشیده است. آیه شریفه فوق با تکرار صامت «ی» و آوای مداومت آن، در حقیقت بر تداوم و استمرار در احکام الهی از جمله وفای به عقد اشاره دارد. «عقود» جمع عقد است در اصل به معنای بستن و گره زدن محکمی که جدا ناپذیر باشد که این استحکام، خود حکایت گر نوعی تداوم است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۶/۳) قرآن کریم با کاربرد این نیم‌همخوان آوار به گونه‌ای دل‌انگیز، احساس التزام و تداوم در تعهد به عهد و وفای به عقد را به مخاطب خود منتقل می‌کند. ضرورت این تداوم و تعهد موجب شده است که فقیهان، لزوم وفای به هر عهد و عقدی را واجب بدانند. (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۴۰/۲۶) بدیهی است که امتثال این وجوب، مشروط به تداوم تعهد است. «حلیت» گوشت حیوانات حلال گوشت و «حرمت» صید در حال احرام، از احکام دیگری است که در این آیه، واج (j) بر تداوم و استمرار حلال بودن و حرام بودن آن‌ها به‌عنوان یک حکم فقهی دلالت دارد، و در قالب ملودی خود، این مهم را به حاجیان یادآور می‌شود که صید، مادامی که در حال احرام باشند، حرمت دارد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، معانی و مفاهیم آیات حج، از طریق هماهنگی آوایی به مخاطبان منتقل و غرض نزول حاصل شده است. واکه‌ها و همخوان‌ها در کنار گزینش شگفت‌انگیز واژه‌ها، ریتم بسیار زیبایی به بافت آیات بخشیده که تأثیر ژرفی بر شنونده خود برای القای یک معنا می‌گذارد.

واکه‌های درخشان /a,ā/ به جهت توصیف صحنه‌های پرشکوه و با عظمت، و تداعی صداها و بلند و غریب جمعیت، ارتباط شگفتی با فضای معنایی و موسیقایی آیات حج دارد و به همین جهت از بسامد بیشتری نسبت به واکه‌های تیره و روشن برخوردار است. همخوان‌های سایشی لثوی «س،ز» /s,z/ و نیم‌همخوان «ی» /j/ با توجه به ویژگی‌های نغمه‌ی و معنایی که دارند، نسبت به سایر همخوان‌ها، از کاربرد بیشتری برخوردار بوده‌اند. تکرار نیم‌همخوان /j/ حکایت از تداوم و پایان‌ناپذیری فریضه حج و ره‌آوردهای آن دارد که به‌عنوان یک احساس و اندیشه به مخاطبان از جمله مسلمان القاء می‌گردد. هم‌چنین بسامد بالای همخوان‌های /s,z/ از نوعی حیرت، اضطراب و نگرانی دشمنان اسلام نسبت به مناسک حج ابراهیمی پرده برمی‌دارد که از عصر نزول تا زمان حاضر، همواره آن‌ها را متأثر کرده است.

پیوست‌ها

بسامد آواهای مجهور و مهموس در آیات حج به شرح ذیل است:

جدول ۱: بسامد آواهای مجهور در آیات حج

آیات حج	آوای مجهور (الأصوات المجهورة)
۲۳۰۳	الف
۲۹۷	الباء
۱۶۹	الدال
۱۷۰	الذال
۴۹۷	الراء
۷۶	الضاد
۱۰	الظاء
۴۳۲	العین
۵۳	الغین
۱۵۸	الجیم
۲۴	الزاء
۹۲۱	واو
۱۶۹۲	لام
۷۸۲	نون
۸۱۲	الیاء
۸۳۹۶	مجموع

جدول ۳: بسامد آواهای مهموس در آیات حج

آیات حج	آواهای مهموس
۴۳۴	تاء
۵۵	الثاء
۲۳۶	الحاء
۵۲	الخاء
۲۱۹	السين
۱۲۳	الشین
۷۹	الصاد
۴۱	الطاء
۳۵۵	فاء
۲۱۴	قاف
۶۹۸	هاء
۲۵۰۶	مجموع

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن منظور، محمدبن مكرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بيروت: دارالکتب العربيه.
- ابوالشباب، واصف (۱۹۹۸م): «القديم والجديد في الشعر العربي الحديث» بيروت: دار النهضة العربية.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵): «روح المعاني»، بيروت: دارالکتب العلميه، چاپ اول.
- اسماعيليان، روبا، اقبالي، عباس و بشيرى، على (۱۳۹۸): «واكاوى صدا معنایى در قرآن کریم با تکیه بر نظريه اشتقاق ابن جنى مطالعه موردی ترکیب آواهای «ح، ر، م»» مجله پژوهش های زبانشناختی قرآن، سال هشتم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۶.
- اطهرجو، فاطمه؛ ولایتی کبابیان، مرم (۱۴۰۱): «معناداری گزاره‌های انشایی سوره حج، پیرامون اخلاق»، مجله سبک شناختی قرآن کریم، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۰، صص ۱۶۲-۱۸۴.
- باقری، مهری (۱۳۷۴): «مقدمات زبان‌شناسی»، تبریز: انتشارات دانشگاه، چاپ سوم.
- پرویز آزادی و سهیلا نیکخواه (۱۳۹۷): «سبک‌شناسی سوره واقعه براساس تحلیل زبانی»، مجله پژوهش‌های زبانشناختی قرآن، سال هفتم، شماره اول، شماره پیاپی (۱۳)، صص ۸۶-۶۵.
- حق شناس، علی محمد (۱۳۶۹): «آواشناسی»، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- حلّی، محقق، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸): «شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام»، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.
- حویزی، عبدعلی (۱۴۱۵): «تفسیر نور الثقلین»، قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- دوشه، ژان لویی (۱۳۷۸): «واج‌شناسی»، ترجمه گیتی دیهیم، تهران: سروش.
- دیهیم، گیتی (۱۳۵۸): «درآمدی بر آواشناسی عمومی»، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات ألفاظ القرآن»، بيروت: دار الشامیة، چاپ سوم.
- زمخشری، محمود (۱۴۰۷): «الکشاف»، بيروت: دارالکتب العربيه، چاپ سوم.
- سعیدی روشن، محمداقبر (۱۳۸۳): «تحلیل زبان قرآن»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- سمین، احمد (۱۴۱۴): «الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون»، بيروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴): «الدر المنثور» قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۶): «موسیقی شعر»، ویرایش سوم، تهران: آگاه، چاپ نهم.
- شهابی، محمود (۱۴۱۷): «ادوار فقه»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، چاپ اول.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵): «مجمع البحرین» تهران: کتابفروشی مرتضوی، چاپ دوم.
- عباس حسن (۱۹۹۸): «خصائص الحروف العربیة و معانیها»، سوريا: منشورات اتحاد الكتاب العربی، چاپ اول.
- عرار، مهدی (۲۰۰۲): «جدل اللفظ والمعنى دراسة فى دلالة الكلمة العربیة»، عمان: دار وائل.
- عیاشی، منذر (۲۰۰۲): «الأسلوبیة وتحلیل الخطاب»، سوريا: مركز الإنماء الحضاری.
- فاضل مقداد (۱۳۷۳): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ اول.
- فاطمه مدرسى (۱۳۸۷): «از واج تا جمله»، تهران: چاپار، چاپ دوم.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱ هـ ش): «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها»، تهران: انتشارات سخن، چاپ اول.
- فخررازی، محمد (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر»، بيروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶): «زبان قرآن»، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- قشیرى، عبدالکریم (۲۰۰۰): «لطائف الإشارات»، قاهره: الهيئة المصریة، چاپ سوم.

- قطب راوندی، سعید (۱۴۰۵): «فقه القرآن»، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- قطب، سید (۱۴۲۵): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالشروق، چاپ سی و پنجم.
- قویمی، مهوش (۱۳۸۳): «آوا و القارهیافتی به شعر اخوان ثالث»، تهران: انتشارات هرمس، چاپ اول.
- قدوری الحمد، غانم (۲۰۰۴): «الدراسات الصوتیة عند علماء» بغداد: مطبعة خلود.
- مارتینه، آندره (۱۳۸۰): «توازن دگرگونیهای آوایی: جستاری در واجشناسی در زمانی»، تهران: هرمس.
- مالبرک، برتیل (۱۹۸۵): «علم الأصوات»، تعریف عبد الصبور شاهین، القاهرة: مکتبه الشباب.
- مختاری، قاسم؛ یادگاری، مریم (۱۳۹۹): «بررسی تطبیقی دو شعر «النسر» عمر ابوریشه و «عقاب» پرویز ناتل خانلری با تکیه بر نظریه موریس گرامون». دوره دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۹، صص ۱۱۳ - ۱۳۳.
- Geramont, Maurice, (1960): Traite de fonetiqu, paris: lib Ddelagrave.

سال هفتم

شماره اول

پیاپی: ۱۲

بهار و تابستان

۱۴۰۲

Bibliography

The Holy Quran

- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414): "Languages of the Arabs", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiya.
- Abu al-Shabab, Wassef (1998): "Al-Qadim and Al-Jadid in Al-Sha'ar al-Arabi al-Hadith" Beirut: Dar al-Nahda al-Arabiya.
- Alousi, Mahmoud (1415): "Ruh al-Ma'ani", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition.
- Esmailian, Roya, Iqbali, Abbas and Bashiri, Ali (2018): "Analysis of the semantic sound in the Holy Quran based on Ibn-Jani's derivation theory, a case study of the combination of the sounds "H, R, M"" Journal of Linguistic Researches of the Qur'an, year Eighth, number two, serial number 16.
- Atharjo, Fatima; Velayati Kababian, Maram (1401): "The meaning of the compositional statements of Surah Hajj, about ethics", Journal of the Style of the Knowledge of the Holy Qur'an, 6th year, 1st issue, 10 series, pp. 162-184.
- Bagheri, Mehri (1374): "Introductions to Linguistics", Tabriz: University Press, third edition.
- Parviz Azadi and Soheila Nikkhah (2017): "Syllogism of Surah Al-Wakeh based on Linguistic Analysis", Koran Linguistic Research Journal, 7th year, number 1, serial number (13), pp. 65-86.
- Haqshanas, Ali Mohammad (1369): "Phonology", Tehran: Aghaz Publications, second edition.
- Hali, Mohaqeq, Najm al-Din Jafar bin Hasan (1408): "The Laws of Islam in Halal and Haram Issues", Qom: Ismailian Institute, second edition.
- Hawizi, Abd Ali (1415): "Tafseer Noor al-Saqlain", Qom: Ismailian Publications, 4th edition.
- Dushe, Jean Louis (1378): "Phonology", translated by Gitti Dehim, Tehran: Soroush.
- Dehim, Gitti (1358): "Introduction to General Phonetics", Tehran: National University of Iran Publications.
- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad (1412): "Vocabulary of Al-Qur'an Words", Beirut: Dar al-Shamiya, third edition.
- Zamakhshari, Mahmoud (1407): "Al-Kashaf", Beirut: Dar al-Kitab al-Arabiya, third edition.
- Saeedi Roshan, Mohammad Baqer (2013): "Analysis of the language of the Qur'an", Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought, first edition.
- Samin, Ahmad (1414): "Eldar al-Masoon in the sciences of al-kitab al-maknoon", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya, first edition.
- Siyuti, Jalal al-Din (1404): "Elder al-Manthor" Qom: Ayatollah Murashi Najafi Library, first edition.
- Shafi'i Kodkani, Mohammad Reza (2006): "Poetry Music", 3rd edition, Tehran: Agha, 9th edition.
- Shahabi, Mahmoud (1417): "Edwar al-Fiqh", Tehran: Printing and Publishing Orga-

